



ارگان عقیدتی - سیاسی سازمان دزمندگان پیشگام مستضعفین ایران

سایت: میدان امام حسین (فرزیه) پاساژ شهرام، طبقه چهارم تلفن ۷۶۰۶۶۳

خلق کرد در میان ترس و امید

تحلیلی از اوضاع جاری باوه کردستان

چند صاخی بشی نسب که از واقع جونی باوه
مکدارد و بررسی اوضاع جاری آن ضروری نظر می-
رسد. مسئله باوه را نمیتوان بک واقع و حادثه محرا
و منفک از دیگر وقایع حاربه سعد از انقلاب
انگاشت، چرا که این قصه یک جریان بود و نه یک
جریان بود نشأت یافته از جریان جاری
جامعه بعد از انقلاب که با به و مایه در جناح با امیرالایسم
و نظام وابسته آن یعنی رژیم گذشته دارد، جریان
بود که بدانگونه که دیدیم نمود یافت و آغاز جریان
حادثه را همدار داد. رسته با این جریان که
بوقوع حادثه دردناکی در باوه منجر گشت، در یک
دید کلی جنس نسجه سده که راه علاج این درد
و این بحران در منطقه، سرکوبی و فشار ارسال نیروهای
ظامی نیست، بلکه درمان واقعی دردها و بحرانهای
منطقه، در مبارزه جدی دولت با فقر و تنگدستی فلاکت
بازی است که خلق ستم دیده کرد را بشدت می رنجاند
و تهدید به نابودی میکند، فقر و تنگدستی فلاکت بار
یاد شده تنها منحصر بر این منطقه نیست، بلکه
محرومیتها و دردهای است که رژیم وابسته گذشته
برای همه مستضعفین ما بهار گذاشته و نمایی نوده های
ما را می رنجاند لیکن اقلیتها را چون خلق کرد،
بلوچ، عرب، ترکمن و را بگونه ای ضایع به
رنج و عذاب میکشد، و این مصیبت و بلا عامی است

که رزمیهای وابسته به سرمایه داری جهانی با سقوط
جای میگذارد. بنا بر این در برخورد با همه وقایع
جاری ملوک سوره مسئله باوه سیاست به حسنجوی
غلبه کلی آنها پرداخت، بر این اساس ارسال نیروهای
ظامی از جانب دولت به مناطق کردنس بدون
شناسایی رسته کلی دردها و مسائل جاری منطقه و بدون
مبارزه جدی و انقلابی در قطع رسته دردها و محرومیت
های گشته، منطقه، جوانان رنجمن نف بر روی همزم
آباد، اسفناست. با یک دید واقع سانه، فاطماه
بایستی اعلام کرد که دولت اگر غلبه الغل دردهای
منطقه را که همانا ارگانهای اقتصادی - اجتماعی
فرهنگی و بازمانده رژیم سابق و فقر و محرومیت
و گرسنگی ناشی از آن است، مشناخت، به این حقیقت
بی میرسد که سلاجوبه نهائی سلاح چاره درد و درمان
آن نیست، زیرا هر چه بیشتر برومات اوضاع خواهد
افزود. درست است که مسئولیت دولت در تأمین
امنیت اهالی شهرها و روستاهای منطقه کردستان در
مقابل ارتجاع منطقه ای (پالیزبانه، اوسیه ها، دارو
دسته سالا حانیا و طلبانها و بازبانه ها و ...)
ارتجاع خارجی (عراق) از راهی جز بغیوت نیروهای
ظامی منطقه و حفظ و حراست از مرزها میسر و ممکن
نست، لیکن بسج عمومی نیروهای ارتش و پاسداران
انقلاب بدینگونه، تنجیدای جزو سب و وحشت نوده های
بقیه در ربرتر



حسین ملک باعدار

نشستنی با اهالی روستا های اطراف باوه و

شنیدن درد دلهای آنها:

نام ده سلال - تعداد خانوار ۱۳۰ تعداد نفرات
۱۲۰۰ و غرضت ده از لحاظ آبادانی و مسکن - در
وهله اول آبادانی ده درجه صفر است و مسکن آن به
طوریکه در عکس زیر ملاحظه می فرمائید ناگوار و نا
خوشایند میباشد.

عکس اول مربوط به خانواده ای می باشد که دارای
ده نفر عائله هستند و در فقر و فلاکت بسر می برند و
زندگی آنها با رنج و الم و ناراحتی میباشد. خانوادای
است که مرد رزمکن آن روزا سه کار می کند و مدت
۲۴ ساعته با دست دست مرد ۳۰ تومان.

عکس شماره ۲ از خانواده ای است که با ۸ نفر
عائله که رزمکن آن مرد خانه است که ۱۲ ماه مشغول
کشوری می باشد ولی در اواخر سال باید آرد و گندم
خریداری نماید. و سالیانه با یکدست لباس بپوشد و
بازه زندگی کند. و خود را میان فطماهی متعدد
ناستان و زمسان بیوساند و با آن زندگی خود را
بقیه در ربرتر

جهت گیری ضد طبقاتی حیاتی ترین ضرورت در شرایط فعلی است

درد و درمان شماره ۴

مهمترین موضوعی که بر سر این سفر رسدن هر
انقلابی می باشد مورد توجه و بررسی قرار گیرد،
موضوع "قدرت حاکمه" است. هر گونه تحلیلی از
شرایط پس از انقلاب و هر گونه ارائه طرح و پیشنهاد
و با اسناد برای بسپرد امر انقلاب، زمانی مسخر
خواهد بود که قبل از آن، "قدرت حاکمه" انقلاب
دقیقا، مورد شناسایی و ارزیابی قرار گرفته باشد.
مقصود از "قدرت حاکمه" عمدتا، نیروهای حسند
که سوار به سفر رسدن انقلاب حاکمیت پیدا میکنند
و مسئولیت اداره حرکت انقلاب را جهت به نورسندن
اهداف یکس - سیاسی - اجتماعی - اقتصادی ...
آن به عهده دارند.

باین ترتیب، اگر آنجا که سرح تمام مسائل و
جریان پس از انقلاب مسخری مستقیم و غیر مستقیم
به "قدرت حاکمه" ارتباط می یابد، برای تحلیل و
بررسی حوادث و اوضاع پس از انقلاب حتما، می باشد
"قدرت حاکمه" دقیقا، مورد شناسایی قرار گیرد تا

عوامل و تاثیر گذارهای آن در این حوادث و
اوضاع، در حیطه تحلیل و بررسی ما قرار گیرد و به
این وسیله بتوانیم شناختی جامعتر و تحلیلی عینی تر
از شرایط جامعه، پس از انقلاب بدست آوریم.

دقیقا، در رابطه با موضوع "قدرت حاکمه"
است که می بینیم مهمترین خطری که بهت های مختلف
دستاماری و رهایی بخش خلقهای تحت ستم آسیا،
آفریقا و آمریکای لاس (جهان گرسنه) را تهدید
میکند (و حتی بسیاری هم بدان مثلا اند و به
سوی امپریالیسم گرایش پیدا کرده اند)، این است که
می بینیم خلقهای رزمنده، بهر روز که وارث خونهای
بقیه در صفحه ۲

مدخلی بر کتاب دشمنان مردم کیانند و دوستان آنان کدام؟

در این برهه، خاص از زمان و در این مقطع خاص از حرکت اجتماعان که
مراحل ارزش آفرینی و تقدیر سازی خویش را پشت سر میگذارد، لزوم کشف و استخراج
منابع غنی و دست نخورده فرهنگی امان: قرآن، نهج البلاغه و سنت، و انطباق
هر کتابی با سبب و اجتماعی امان با مفاهیم عمیق و ارزش آفرین این منابع، ضرورتی
است که بیش از هر چیز حیثی میشود و مسئولیتی است که بیش از هر چیز بر دوشهای
این نسل سنگینی میکند.

در این رابطه ما نیز به سهم خویش این ضرورت را درک کرده و سنگینی این
مسئولیت تاریخی را هر چند ناچیز بر دوشهای خود حس می کنیم. و بدین روی
برای اینکه در این جهت قدمی برداشته باشیم دست به انتشار سری "نفسر"،
تحلیل و ترجمه نهج البلاغه هنگام با قرآن و سنت" که حاصل مطالعات و بررسیهای
گذشته امان است رزمیم و مقدمه که این کار ما، گوششی است در جهت آشناتر کردن
آگاهان، جوان مذهبی و علمی با نهج البلاغه و هنگام با آن قرآن، بگونه ای که
فهم، مطالعه و تدبیر آن (نهج البلاغه) را بچ گشته و باز گشت به قرآن، نهج
البلاغه و سنت رسول الله (ص) که تنها راه نجات و بیداری و آگاهی نسل امروز
است تحقق یابد. به این امید که با عرضه کردن نثره، تلاش ناچیز ما بتوانیم
آغازگر یک نهضت فکری و علمی اسلامی باشیم که با روح و بیش علمی امروزین
پگوید و هدفش خارج ساختن این منابع غنی فرهنگی از محدودیت تخصص و فهم
عدم ای علماء و مفسرین حرفه ای (که با تبدیل کردن آنها به یک سری علوم فنی،
بقیه در صفحه ۳

راه نفوذ دوباره امپریالیسم را چگونه سد کنیم؟

اینکه مباحث امپریالیسم در سبب ما به چه صورت
بوده و چگونه با حسن انقلابی خلق ما خطر افتاده
است؟ از جمله مسائلی است که در این برهه از زمان
که آهنگ مبارزه ضد امپریالیستی دولت، جهت گشت
استقلال اقتصادی و به نسج آن استقلال سیاسی
ظامی - فرهنگی و ... میسران رو به کندی گذاشته
و صورتی نثار گریه خود گرفته و در نسجه امپریالیسم
امریکا را در بار گشت به میهنان امپدوار ساخته
است. طرح ضروری سطر سطر ... به کندی گراشیدن
آهنگ مبارزه ضد امپریالیستی دولت ناشی از تصویری
است که دولت موقت انقلاب از رژیم وابسته گذشته
دارد. چرا که ما "مد اسدادی" انگاشتن مبارزات
حلقه از جانب دولت کوبی جس بر می آید که اسیان
رشته های خود امپریالیسم را در ابران تحت حاکمیت
رژیم پهلوی تنها در نظام سیاسی حاکم بورژوازیان
خلاصه میکند و با حسن تصویری رسته های مستحکم
امپریالیسم را در ارگانیای اقتصادی - فرهنگی، نظامی
و ... نادیده میگرداند. و حال آنکه ما به محمل
دانش امپریالیسم، اساسی ترس ارگانیایی گشته
امپریالیسم هواره در آنها رسته سداود و بخسود
واسه اشان مسازد. ارگانیای اقتصادی - نظامی
فرهنگی و ... هستند.

از آنجائیکه "ارتجاع" و "امپریالیسم" جوان
دو روی یک سکه است و با هم یک واحد جد خلقی را
مسازند، با شناخت و تصویری صحیح از ارتجاع و
امپریالیسم، هر مبارزه ای علیه ارتجاع حرا، امکانی
کوبنده بر روی طرف دیگر که یعنی امپریالیسم
خواهد گداشت و متغایلا "هر مبارزه ضد امپریالیستی
بسر ضرورتا، بازتابی بر رویه" دیگر که می ارثاع
مگذارد. لیکن مسئله مهم این است که ما در سه
شرایطی ارتجاع را و در سه شرایطی امپریالیسم را
آماج حله مستقیم و غیر مستقیم (واکشت) خویش
قرار دهیم؟

ما عموما رژیم وابسته گذشته یعنی متلانی بدن
بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه (۱)

آری! اینها پس از پیروزی انقلاب با تخریب و غرور فراوان دست و پا می‌کنند و به میهن‌باز می‌گردند تا به‌لطف چهار تا کتاب و تئوری اقتصاددانی به سیاسی که نوشته‌اند می‌سازند، سر مردم را بشیر و بلند و معافانه و سبهای می‌دانند، "دست حاکمه" را بدست بگیرند. این است که مال می‌افند دست کسانی که برای بدست آوردن آن هیچ رنجی منحل نشده‌اند و اصلاً "معنی رنج و دردی را هم که مردم شده‌اند نمی‌توانند درک کنند. لذا اگر آنجا که ایشان هیچگونه تجربه‌ی عملی ندارند، برای حفظ آنچه که مفت بدست آمده‌اند استفاده از هر وسیله‌ای را مباح میدانند و حتی تا خود آگاه ازگرگ در لباس میش هم باری می‌طلبند چرا که اینها گرگ و میش و شخشات آنها را در کتابها خوانده‌اند و به خوبی آنها را می‌شناسد اما گرگ در لباس میش را نمی‌شناسند زیرا تنها در صحنه "عمل" است که "چهره" حقیقی "گرگ میش" نما شناخته شود اینجاست که در هوای گرگ و میش پس از انقلاب (دوران شبهه) پس از انقلاب که همه از رشاهای ارتجاعی خود را در لباس از رشاهای انقلابی پنهان می‌کنند!) راه (حق) را از چاه (باطل) نمی‌توانند تشخیص بدهند و بنابراین خود را به تبع خود، مردم را درون چاه (ارتجاع = باطل) سقوط می‌دهند!

پس از این مقدمه، سری بکتر خودمان بنرم ببینیم که "دردت حاکمه" ما در شرایط فعلی چه خصوصیاتی دارد، عملکردش پاش ععدنا" در چه جهتی است و... امروز پس از گذشت دو سال از اعتلای جنبش انقلابی خلق ما و پس از گذشت قریب به ۷ ماه از اقام خونین ۲۲ بهمن ۵۷ که منجر به پیروزی انقلاب و شکست و فرار "هیئت حاکمه" و فال گذاشتن ورها

*** - ملاقاتهای که جناب مهندس بازرگان و مناسبت در دوران حکومت بختیار، با قره باغی ام می دادند، بودند این خصوصیت بارز آنهاست. جنابان در تلاش گذار مسالمت آمیز از سلطنت جمهوری بودند اما پیروزی غیر منظره انقلاب مایه تمام محاسباتشان را سم بختیار

"فلان عالم عالیقدر عظیم الشان روحانی،
 نو رهبری داشته چون دلسوزی کرده، چون خدمت
 ده، چون علاقه داشته، شرعا و سیاستا خودش
 مسئول میداند که ملت را رها نکند و بلکه سر در
 چیزی بگذرد و همه جا دستور بدهد و این احساس
 یقین را دارد و در هر حالتی امر و نهی می‌کند. ا."

" قدرت حاکمه " و " رهبر انقلاب " باید بداند ،
تا زمانیکه نفت و بنزین روی زمین نریخته باشد ،
وسيله " شعله " یک کبریت روشن نمیشود ! چرا رهبر
انقلاب تا تلاش در این جهت متغیر کرده که
" شعله " کبریت را خاموش کند ؟ !؟ این کاری بود که
تیم سابق تجربه اش را برای ما گذاشت و رفت !
باید قبل از آنکه توسط لشکر کشی ها و بمبارانهای
مرحانه سی در خاموش کردن " شعله " کبریت داشته
باشیم ، نفت ها و بنزینهای روی زمین را جمع کنیم ،
تیم می کند که اینها فرو خورده اند که آهن به
ست گرفته اند ؟ ! خیر ، فشار اقتصادی آنجا بر
ملت محروم و ستدیده فشار آورده است و آنچنان
س تا بشان ساخته که با یک اعلامیه و صدایی که در
بند آشناس ت درد د آنها را زمزمه میکند ، به
سرکرت در می آید . این توده های رنج دیده از ابتدائی
تیم مواهب زندگی بی بهره اند و رنج بیکرانهای
آنها ، بمب بر سرشان میریزد و رنج بیکرانهای
نوتری می کنید ! بعد است که به این زودی تجربه
آخر زم کشته را فراموش کرده باشید ! هیچ میدانید
چرا " عزالدین حسینی " این چنین در میان توده
ای کرد محبوبیت دارد و با یک اعلامیه ، توده ها
به حرکت وامی دارد ؟ بخاطر این که و حرفش ، مطابق
درد ملت مردم است ، ندایش نیازهای مردم کرد را
زمزمه میکند و بدین خاطر است که علیرغم اینکه شما
تبلیغات شایانه روزی اتان او را می گوید و ضد
نقلاتش معرفی میکنید روز بروز در میان مردم محبوبیت
بیشتری پیدا میکند . برای تصدیق حرفان در اینجا
تن اصلی یکی از آخرین اعلامیه های او را که بصورت
بریت ، نفت و بنزینهای پخش شده در پاره را به
شکنند ، می آوریم تا خود فضاوت کنید که چرا ؟
البته باید گفت که از دیدگاه مالی ، جهت گیری
طبقاتی در منافع اقتصادی و مالی مردم خلاصه
نمیشود ، اما در شرائط فعلی ما معتمدیم که منافع
اقتصادی توده ها عمده ترین زیر بنای مسائل طبقاتی
می باشد . اگر چه این سالها موازین و ضوابط اقتصادی
و حیدر که در کنار رودخانه " سن پاریس " نگاشته شده
بود ، در نمی آید اما ما باید پذیرفت که تنها راه حل
وجود است . زیرا معتمدین به اقتصادهای توحیدی
نارود می خواهند سیستم اقتصاد توحید ، ا

مقدمه از صفحه (۱)

زمینها، اعم از زمینهای اقتصادی-فرهنگی و ... دارد، علاج درد بیماری نیروهای فعال جامعه در پرداخت وام و سکونت و یک به یک به واحد خصوصی (که ترقی و با غیر ترقی بودنشان هنوز مشخص و معین نشده است) برای دست یابی به سکونت، است. چرا که وام های گوناگون و استعدادات نیروهای فعال جامعه را در یک کشت و آفتاب با یکدیگر همگام، ست و بوجرها خواهد پرورد. از طرف دیگر کتک به بخشهای خصوصی تا زمانیکه ترقی و با غیر ترقی بودنشان معلوم نیست، با توجه به اینکه صافه بخش خصوصی، غیر ترقی بودن سود و صفت هر چه بیشتر است، حیاتی غلبه به یک محسوب میشود، چرا که تصاد طبعی است و موجود را هر چه بیشتر کند، خواهد داد و در دراز مدت وابستگی مجدد اقتصاد کشور را به سیستم سرمایه داری جهانی آسان خواهد ساخت. مشروع با غیر مشروع بودن سرمایه بخشهای خصوصی به منظور یک گفته شد با مشخص ساختن حدود و نفوذ سرمایه و مالکیت خصوصی (که در خلاف جهت رشد اجتماع جریان داشته باشد و مانع احتیاج را مقدم بر مانع فردی بشمارد) معلوم میشود. و ابتکاری است که هنوز بهر انقلاب و نه دولت بدان توصیه نداشته اند. ملی صنایع بگونه ای وضعی از آجا آغاز میشود که اول دولت، قطع وابستگی صنایع داخلی به صنایع و سرمایه انحصارات ابرپالیتی و ترانسپاتی بین المللی را سرلوحه برنامه خود قرار دهد و ثانیاً اداره صنایع، ابزار تولید، کنترل تولیدات و غلامه صنایع صاحبان صنعت را از دست بخشهای خصوصی غیر مشروع مردمی آزاد کرده معیبه نمایندگان واقعی مردم یعنی لگسند و واگذار کند. در این صورت است که میتوان نیروهای فعال جامعه را به محیط کار و خوشنیتان و معیبه انقلاب امیدوارانی ساخت و بهرمان بگیری را خاتمه داد و کارگران را در کاری که میکنند کار خوشتر و دلگرم ساخت و در غیر این صورت معیبه منتظر بهرمانی حادثتر و نهایتاً " سقوط در کام استعمار شرق و با غرب بود. در مورد زمینها، دولت معیبه آینده نگری انقلابی را در همه اقداماتش بکار برد و با حدیث به رشد کشاورزی و تولیدات دامی بپردازد. غافل شدن از مسئله کشاورزی و تولید مواد غذایی کافی در داخل مملکت همان چیزی است که امپریالیسم آمریکا طلب میکند. زسیرا آمریکا با در دست داشتن مواد غذایی ملت ما، هر آن میتوان سیاست توسعه طلبانه و تجاوزکارانه اش را بر ما اعمال کند. بنابراین معیبه است و توسعه کشاورزی را دایموری را، بعنوان یک واحد مستقل اقتصادی که به خودی خود میتواند بر طرف کند، بهر شرایط احتمالی آینده باشد، مد نظر داشت. بدیهی است که رشد توسعه کشاورزی و دایموری که شران حیاتی اقتصاد ما را بعد از رفت تشکیل میدهد، تنها و تنها در سایه ملی کردن زمینها و آنها معیبه است. در این زمینه، تشکیل شرکت های زراعی که کنترل تولیدات کشاورزی و هماهنگی بین مواد تولیدی و محصولات و نیز مسئولیت تهیه بذر، کود، ماشین آلات کشاورزی و سایر مواد اولیه کشاورزی را بمعده داشته باشد ضروری و نهایی است. فراهم ساختن و سرمایه راندگی روستاییان بهر طریق، مهم خدمات بهداشتی از قبیل بیمارستان - حمام و ... را میتوان از عوامل مهم جذب روستائیان روستاها و دلگرمیشان در کار کشاورزی و دامداری بحساب آورد. ملی شدن بانکها و بیمه نیز معیبه است همانند صنایع بطوری انقلابی بپیکری شود. سیستم بانکی را هر چه زودتر معیبه است از حالت مرافعی خارج ساخت و مقدمات تبدیل بانکر از کانون تمرکز و تراکم پول، به کانون توزیع صحیح پول در جامعه، فراهم ساخت. بدیهی است که توزیع صحیح پول در جامعه معیبه است تولیدات داخلی که توزیع جایگزین بازار و فروپاشی زندگی شهری روستایی باشد، در این صورت، قدرت خرید داخل

وجود، عاملی خواهد شد جهت رشد تولیدات داخلی و در مقابل، عدم توزیع صحیح پول در جامعه و بی‌توجهی به تولیدات داخلی و ملی، با بازار فروش کالای امپریالیستهاروپا می‌دهد و با به‌جورم پی‌وسلی می‌آیند.

غرامت برداختن به سهامداران بانکها و شرکتها، به معنایست بر مبنای مشروعیت سهامشان باشد، طبیعی است که پرداخت غرامت به سهامداران بزرگ و نامرأصل ملی شدن بانکها و شرکتها و به معنایست، چرا که سهامهای کلان اسانه شده سهامداران بزرگ ناشی از چیزی جز نصب حقوق ملت نبوده است و جهت خارج ساختن آن‌ها و باز پرداختن به مردم پرداخت هیچگونه غرامتی نه جنبه شرعی و نه ملی دارد. در صورت مسئله بهیچ‌وجه از آنجا که بی‌ای مسئله و ملی شدن هنوز برای عامه مردم بوضوح روشن نیست، دولت می‌بایست در ابتدا برنامه‌هایی جهت تثبیت و شناساندن به معنایست به مردم ترتیب دهد و چگونگی ملی کردن آنرا تشریح کند. و اینگی لازم است که دانه فعالیت خدمات درمانی بهیچ‌وجه را از سطح شهرها به روستاهای اطراف و اکناف کشور گسترش داد و دهقانان و کشاورزان را نیز مشمول آن ساخت.

فراوانش کرده اند که اولین جری سبسته اقتصاد توحیدی
پارزیا بامر (ع) قبل از آنکه فواین اقتصادی اسلام را
بنیاده کند، «مرا به ها را ملی کرد». اگر روشنی
نظرسهای کاروروس بخواهیم عمل کنیم گارمان به
آجا می رسد که سرکوب حلفهای بیگانه کرد (البته
باید توجه داشت که آنها تنها یک گناه دارند و آن
اینکه بنا به گفته خودشان و نیز رهبر دینی آنان
عزادین سر سینه، خواهان یک خود مختاری و حق
تعیین سریشی در چهار چوب آزادی آباد و آزاد
هستند و گنگاهی از این بزرگتر (۱) و تحت فشار

■ - به خطبه ۱۵ و ۱۶ نهج البلاغه مراجعه شود. در این مورد در کتاب " دشمنان مردم کیانند و دوستان آنان کدام؟" توضیحات بیشتری آمده است.

مدخلی بر کتاب "دشمنان مردم کیانند و دوستان

آنان کدام؟

بقیه از صفحه ۱

تخصصی و خواص فهم، از صحنهٔ اجتماع و از فهم زمان خارجشان ساخته اند و
وارد کردن آن به سطح آگاهی و فهم عموم باشد.

خطی فعلی ما نیز بر همین اساس، عبارتست از اشاعهٔ اسلام بعنوان یک "ایدئولوژی" یعنی مجموعهٔ عقاید و افکار و روح و بینش و فلسفهٔ احکام و تفسیر و تحلیل و توجیه منطقی و مستند کلیهٔ عاصری که مکتب را تشکیل میدهند. طرح اسلام بعنوان یک "ایدئولوژی" (نه یک "فرهنگ") باعث می‌شود تا اسلام که بصورت یک عقیده و ایمان و جهت‌گیری و متولید اجتماعی و جهان بینی خاص از اسلام با اسلامی که بعنوان یک "فرهنگ" و تمدن تاریخی (که تشکیل دهندهٔ از مجموعهٔ علوم و معارف و افکار و آثار فلسفی و علمی و اخلاقی و ادبی و عرفانی که در طی چهارده قرن به کوشش علماء و متفکران و نوابع مسلمان فراهم آمده) جدا گردد. چرا که متعذّب: این اسلام به عنوان یک "ایدئولوژی" است که در طول تاریخ پیوسته حرکت آفریده و توده‌ها را از سکون و ایستایی رهانیده است، نه اسلام به عنوان یک "فرهنگ"!

ما ایمان داریم که جدا کردن "اسلام" بعنوان یک ایدئولوژی "از اسلام" بعنوان یک فرهنگ "و تلاش در جهت وارد کردن آن به خود گامی مردم زمینه را برای یک حرکت اجتماعی بزرگ و عمیق که براساس این ایدئولوژی انقلابی شکل گرفته است فراهم میسازد. از خود خلائی که به بین ما سرچشمه نخستین اسلام حقیقی چهارده قرن فاصله انداخته است باعث شد روح و فکر اسلامی در این مدت طولانی، با لگن و لای سرزمینها و نبرهای فرهنگها و مذاهب و عناصر بیگانه و سنتهای قومی و اساطیر و عقاید موروثی اقوام گوناگون که به اسلام ایمان آورده اند، هم چنین انگار و آرا، مکتبهای فلسفی و عرفانی و علمی غیر اسلامی که در طی ادوار تاریخی بدان پیوسته است و نیز عقاید و توجیهات نظریات علما اسلامی که تحت تاثیر علوم و عقاید زمان و با تربیت اجتماعی و ملی خود، اسلام را در قالبهای ذهنی و احساسی و فکلی خاص خویش در آورده اند، آمیخته گردد. و این امر گام را بر ما بسی مشکل کرده است اما نکته ایمان بر اجتهاد عقلی که برجسته ترین خاصه روح علمی و پیشرفت اعتقادی اسلام است، می باشد. زیرا اجتهاد وسیله ای

فرار دادن اغلاسل و راکتکار اغلاسی می‌دانم. ۱۱

حیر، طرفداران رزهای کار رود سن باید بداند که کار اغلاسی اس بس، بلکه کار اغلاسی را باید از علی‌الوجه، کار اغلاسی در شرائط فعلی باید نکردن

ص (السهه هر حلفهای بیکاه کرد) و صد "طهه" حاکم "سای و طرح بر سر و روستای اقتصادی است، تا زمانیکه یک طبع گریز صد طبعی برای بهمت نخسین نکنم باید بدانم که تمام برها و تئورهای ما باد هوا خواهند بود و تحق جامعه" اسلامی را بدید که خواهد ساخت زیرا از بازرترین خصوصیات یک جنبش جامعه ای، صد اثرهای بودن و صد "طهه" حاکم "بودن است. اگر جنبش‌های حرکت انقلاب دهم همچون سایر جنبشها و اغلاط اسلامی و مترقی برسان خواهد آمد که هر چند بر مای اصل الهی استوار بودند اما چون بر مای و روستای طبقاتی حامد را در قالب ایدئولوژیک مطرح نکردند اگر چه در ابتدا پیرو زندانها و سرانجام در مسیر اصلی حرکت خویش داد گشتند و تمام نعرات جهادها و مبارزاتشان در مرتبه بدست قدرتهای بیرونی افتاد که در حقیقت ادامه دهندگان راه و رسم طبقاتی نظام پیشین بودند.

"سای منوایم جنبش نتیجه بگیریم که فوری ترین و طهه" قدرت حاکمه" بجای سرکوبی، برحاجت" خلق الهی اطلب عدل و انور، کار زدن در جهت منافع اقتصادی آنهاست. و این را نیز باید دانست که بدون طرح و درگونی در زیر بنای اینگونه مسائل طبقاتی، هر کومما بر مای بشود، اقتصادهای توحیدی استار رود سن، از آنجا که بدون هدف و غایت عینی حرکت، فقط در عالم ذهن متصور است و بدرد متکلمان میخورد.

وظیفه، سازمانهای متعدد مذهبی نیز در این سرائط، طرح آن قسمت از ایدئولوژی زیر بنای نهضت است که مسائل اقتصادی و ترکیب و ساختمان طبقاتی موجود جامعه را مشخص کند تا با وارد کردن آنها به خود آگاهی مردم آنها را بتوان برای دیگرگون کردن زیر بنای طبقاتی جامعه بسیج کرد.

اگر " قدرت حاکمه " از این امر روی بگرداند
باید بداند که از پس هر سکوی و بیمارانی، نیروهای
خلق بیشتر به حرکت در می آیند و اگر این حرف را از
ما قبول ندارید، تاریخ را به گواهی طبیبید! . . .

[illegible]

خلق کرد در...

تخلیلی از پاوه - کردستان

سندیده منقطع را در پی ندارد، و نه حوری جز
به می خلق کرد نیست به دولت بخت اسماعیلی خواهد
ایماند، و از اس گذشته ادایه؛ اس وضع به افلاک
خلق کرد منتهی خواهد گشت. و بنیاد است در
اصورت، حرفه اولیبه اسماعیل هیرم آماده نعله در
کیندن، از جانب چه کسی روشن شده است

امپریالیسم زخم حورده که خود در آتش حتم
و نرفت خلقان مسوزد جوان آتشی است که میوسه
بدسال هیزم خشک آماده اشغال است ، تا که با نطفه
و ر ساختن آن ، در میان غلظت دوده های تیره و تاریک
آید سلطه شومش را دوباره به میهن ما باز گرداند و
آمن خلق سیدم دهان را در بارور ساختن اغلاب
جوشنیست به سار و سار بدو اید

ستمهای مضاعف رژیم وابسته گذشته به خلق کرد:

۱- ستم اقتصادی: در دوران ساه دیکتاتوری رژیم وابسته گذشته، ظلم و ستم اقتصادی اعمال شده به ملت ما سنگ زیر پای ابعاد گوناگون ظلم و ستم را در زمینه‌های فرهنگی - سیاسی - حقوقی و سیاسی نهاد و بدین سرریزهای آتش حاکم نظامنامه نظام سرمایه‌داری دامن خلیجای محرومی چون کرد را بیش از سایر خلیجای در بر گرفت و سستی ضایعات را بر آنان روا داشت. زیرکی‌های بالهوه منطقه کردستان حسن انجام مکتود کرد رژیم وابسته گذشته هیچگونه اقدام عمرانی - صنعتی و کشاورزی در منطقه نداشت و بنایر و به نامود برای راه و زیرکهای بالهوه و سیدادات خاص منطقه ببردارد و زندگی شهری و روستائی را به تنهایی گناند، چرا که موضع ضد خلقی رژیم وابسته به امپریالیسم و رهنمودهای انحصارات امپریالیستی چنین محوری را به نظر حاکم گذشته میداد. لذاست که مشاهده میکنیم در این منطقه بجز راه‌بان خورن سازی سفر از راه‌اجدصنعتی، بودلی بگری خوبی نیست، به استثنای چند کارگاه کوچک بوب‌بری، پشم شویی، آسای آرد و تولید پوشاک ... با توجه به ماهیت رژیم وابسته گذشته، علی‌رغم استعداد و آمادگی قابل توجه منطقه جهت کشاورزی، اوضاع کشاورزی نیز در کردستان بدست بربار است. براین اساس، بیداداست که سطح زندگی شهر و روستای مناطق کردنشین در ابتدائی‌ترین سطح معدوم مانده و نسبت به نقاط و نواحی دیگر آن بطور قابل ملاحظه‌ای پائین است، بگونه‌ایکه بودامکانات ابتدائی حقوق انسانی، از قبیل بهداشت، بارستان، حمام، مدرسه و ... و وضعیت افس

-1

۱۔ ستم فرہنگی :

از این گذشته گسترش روزافزون سلطه امپریالیسم
برسپهرن مادر گدازده نطفه انگلی طبایر از راه فرهنگ
و ملت و مذهبات بطور عموم و انتفاع اولسباتی جون
زرد و عبره و از ملت، و مذهب و فرهنگ و اسلمباتیان
ا بطور خصوصی ووحشیانه ستمندت مسم فرهنگ
اعمال شده و هر حلقه درده و در دوران ما گذشته بگونه ای
بود که حلقه در حسی اجازه نگار بردن زبان رسمی
خود را رننه در فرهنگ و رسومات طبیان دارد،
نداشند. در نتیجه اس سم و فسات فرهنگی، رشد
فرهنگی سنفاده رویه کاهش نجام و در عوض فرهنگ
اسامعاری اسنفاده نظام هاکم، جایگزین آن شد،
از آسانجده هماره، رذکتهای فرهنگی، ملی،

[illegible]

۲- ستم نویسی :

برای سببها، و فیکسم سیاسی اعمال شده بر ملی کرد را از جانب استعمار-استبداد گذشته فراموش درخواهم بات که خلق این حلقه از روس-ایرانیترین حقوق انسانی-اجتماعی محرومند و تیرین استکبارشداران برای آن فراهم نموده و نجاتا-معننی افکار را به جز در زمینه اقتصادی و در هر فرهنگی-اجتماعی برایشان بار آورده است. این ستم سیاسی را میبایست در محدودیت استعمال همان مادری، پوشیدن لباس بومی و... و بالنسبه سواداکی اکثریت وسیعی از سوده‌های این منطقه و خلاصه برای امکان و اجازه ابراز شخصیت ملی-فرهنگی مردم سوبود.

خلق کرد اکنون باید‌های نظام سیاسی رژیم بسته گذشته را در هم فرو ریخته می‌بیند و خود از سلطه سوم آن آزاد می‌انگارد و احساس میکند هیچگونه خیر منفعتی و هیچگونه تسکینی از این دولت موقت انتقالی و حتی انقلاب عابثش نباشد و از بار درد و اندوه گذشته‌هاش اندکی کاسه دماغت پنهان‌ترین چاره‌نمایی در‌یابد و چشم‌ها و سه روی‌هاش را در خود مخفی در چهار حوب ابراز برانیت میداند که خود از حقوق اولیه اساسی

خود مختاری خلق کرد در چهار جوب ایران و
انت : محور اصلی حواسته خلق کرد و به بیان
کرد درمائی را که خلق کرد خود برای درمائی
نقراشان انتخاب کردماد ، خود مختاری در چهار
ب ایران و ایران است . باین معنا برای حواسته
و آرماتهایان و نامی بازتابهای که نشان میدهند
را بطه ان اصل یکی در خود مختاری در چهار جوب
ان و ایران است . تلورماد . واقع باوه نیز نموداری
در رابطه با حواسته های خلق سمدیده کرد ،
و صورتی اسفاکی در آمد و حرفه ای شد برای و خوش
را و آتش در اس منطقه ، که بارها و بارها در اس
بعد از انقلاب در گونه و کار اس خطه بنی
دج ، مهباد ، نغه ، مریوان ، و بالاخره باوه و
ندا " در سز و مهباد و حلامه هه های آن ،
بودمادیم و اکنون بر گونه " گذشته زمسته
روشن میدشد را بعضی می بینم .

جگہ واقعہ حوسس باوہ را تحلیل کسم ؟

مبارزان با وجود مطالبه قوی و براساس آن، فرج‌حلیلی بر روی حرماوات و واقع جویند باوهدودن در نظر گرفتند. رابطه آن با جواسعدا و آرباهای خلق کرد آن منطقه، بخشی از اعتبار و آبروی آن را از بین برد. بر اساس واقع و اعتبار باوهره را بخاطر یک واقع خلق الساعه مانند فرج‌حلیلی، در نظر گرفتند. به صورتی که مناسبت بعنوان حرماوات تلقی کرد که در رابطه با جواسعدا حلیلی کرد دستغاب، سر این اساس اعلامیه (۱) محمدحسن و حسین و دعوت حزب دمکراتیک ایران به سوی «دوری قلمه» از روز ۱۳۰۲ (۱ مرداد ماه) باوهره را ضمنی از جواسعدا و مبارزات معضال بین مردم کرد و باداران اغلای و مداخله بین و مبارزان باره‌ای مناطق و در آخر، فرمان عمر مستظهره مبارزات اغلای بهای اعزام نیروهای اسطغلی به منطقه، هجومه در رابطه با جواسعدا حلیلی کرد که اولس حرماوات در ۱۳۰۲/۷/۲۷ ظهور رسد و اولس همدارهای خود را بکوش دولت رساند یعنی و هجومه منباید، و این طواری دیگر از همدان و اسطغلی باوهره در اثر آمادگی زمینه‌ی وقوع حادثه خویش اخیر انجامید.

اوضاع شهری باوه :

با واز میهنس نهرهای مری گور است که حدود ۱۸۵ هزار نفر جمعیت تقریباً " بزرگترین شهر مری کوهنسی اسان کرمانشاه را تشکیل میدهد . اسان کرمانشاه جوان آذربایجان غربی را یک نراده یکواحب و یکت بیخورد نیست و قسمت غرب این استان را که دهها تنیکل میهند که از نظر موقعیت جغرافیائی "عالیا" در مناطق کوهسانی قرار گرفته اند . این منطقه بعلت کوهسانی بودن ، درازای عدم آادامگی کشاورزی و لحاظ اسرانزیک و مازاز بارشوائی خاتر اهنست است . براکتی کردها نیز از جمله مسائل است که میبایست در رابطه با موضوع باوه در نظر گرفته شود . براکتی کردها از موضوع جهانی و از نظر منطقه ای و ساتعی که برای استعمال دارند ، براکتی ، کردها در مناطق مری چهار کشور عراق سوریه - ایران - ترکیه این امکان را برای استعمال جهانی بوجود آورده که هر نوع نوظهائی در بین کردها بنواد موقعیت و ثنات هر چهار کشور را بخطر آنزاد و ایر قدرش را در سیاست استعمال نقره بینداز و حکومت کن " ماری دهد .

از نظر منطقی نیز این امکان را از برای ابر قدرهای استعماری بوجود آورده بود که مرکز و سناب زرم و پاسد کدنه ایران از بررسی اقلیمهای محروک درمسندکرد و بلوچ و عرب و ترکمن و ... و وحدتی یافند، چرمزاورده که امیرالایسم اراده داشت و حودتی کدائی جایگزین پراکندگی و نشستن شود، سیاست پراکندگی کردهای ایران از زمانی آغاز گشت که خط مشی کلی امیرالایسم انگلیس در رابطه با ممالک تحت سلطه اش بویژه ایران، با روی کار آوردن رختان بوست کودنای ۱۲۹۹، تغییر کرد، به ترتیب تغییر سیاست استعماری انگلیس که باعث کودنای ننگین ۱۲۹۹ امیرالایسم انگلیس، شد سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ خلق ایران بویژه قلمهای عرب که آشنایان و رشتند دامنشان را فرا گرفته، محسوب میشود.

سیاست استعماری جدید امیرالایسم انگلیس چنین اقصاء میکرد که در خلاف سیاست استعماری قبلیش مبتنی بر تصحیف حکومت مرکزی بوسیله نفوذ اقلیمها به نفیوت حکومت مرکزی و تخفیف اقلیمها میراداز. تصحیف اقلیمها با ایجاد بغرض و پراکندگی ساختن آنان آغاز شد، خلق کردن نژاد مرزمره، اقلیمهای نو که بدین نوع مصوب ساخت استعماری امیرالایسم انگلیس و دیکتاتوری رختانی شد و چنانچه امروز

خاقد آسم بحس و برانگه گردید . در این کدنه
آن فصد از خط برزی ایران و برکنه که حلاق
برگزیدار برگزیده بود رزم وایسته کدنه او سپهر
ووجب افکنده تا بگزیده خاقد که وازی ار کردها
در حادصل برکنه وایستی ایرانی و برکنه ای کردنه
سفر دارد تا هوس وحدث با سواولسی برکنه ای
ایران با برکنه ای کور حصانه محس برکنه . و از سر
رزم بدرکنه . رضاحان که به بنها محس . بلکه رزم
و سز . از بوجه و عبات خاص ایرابلسم انگلئس
برجود دارد . و در احزاب طرچه ای برامدهای استعاری
انگلئس بزرگترین بواج و همسرین عوامل ضعیف
کدنه حکوم برکنین را حتمیای اسقلال طلب
المنها . بوزرافلت کرد که در مان عام اطمینای
برکنولج . غیر برکنی . . . دارای واثابی و روجه
بازاریاوسری نمود . میدند . لذا رضاحان در
حرکت عد بردنسی جهت آبادی ناخن رزمه برگ
برازی هر چه بسیر ایرابلسنیا . با مسئله کردها
موردی و حدی و فاطم نمود و در اسده به سرکنی
خاقد ایراد داشت . پس درانه به رضوهادی ایرابلسم
انگلئس . در صد احاد غرقه بر آمد . تا در برنو
اصل . تفرقه بدین حکومت کن . با محادی خاقد عد
خلقی خاقد را استحکام حصد . غرقه افکنی حکوم عد
با کوج دادن برایا ار کردنه به برکن محرا بدو
منظور انجام شد . الف : حداسازی کردها از هم ودر
سجما بودنی وحدث خلل کرد . ب : کسیرل کردنی
برکنه ها و حادصل حرف س حلفه . و در ادامه
همین طرح عد خللی رضاحان بدو که فرزند خلص
نرمزمینه تفرقه هر چه بیشتر آیان . با فراهم خاقد
با به استخدام در آوردن مزدورانی چون بالیزان .
بکتری . سالاحاف و سعی در فروشاندن
آتش حتم آن ملت که دیر با زور مروت که دامن
پس به واسطه کدنه او در برگرد . نمود .

در این میان برنامه‌های فرعی برآورد کرده‌است
مساعدت‌رسان‌ها را جهت اجرای برنامه بفرقه افکنی
اسماعیل فراهم ساخت، هر چند که در مواقع بحرانی
که منظور در برنامه‌های حاکم می‌گردد صورت یک واحد
مستقیم در می‌آید و گرانگازت علیه سیاست‌ها، آن
گرانگازت مذهبی و غیر مذهبی‌ها علیه سیاست‌ها، آن
مسئله را در حدود پاره و پاره توضیح می‌نماید که چرا
که اهالی شهر باوه با اهالی روستاهای اطراف آن،
منزل صورت آفتاب و شش‌ر و فغان و ... دارای
نژادهای متفاوتی می‌باشد که در نظر اجتماعی، طبقه بندی
اجتماعی را در آن منطقه در نظر می‌گیرد.

اختلاف نژادی شهرنشینان پاوه و روستائیان اطراف آن:

کرده‌ای ساکن شهریاوه خود را از نظر نزادی، برتر از اهالی دهات اطراف یاوه میدانند، این دو دنگی نزادی بین شهر و روسا علاوه اختلاف شدید در زندگی در شهر و روسای آن منطقه از دوران قبل از انقلاب همواره عامل مهمی بوده در یاروشی و جنگ و ستیز یوادمهای شهری که از یک رفاه نسبی برخوردارند و یوادمهای شهری که در وضع رفایاوه از لحاظ اقتصادی - بهداشتی - فرهنگی بسر میرند. واقعه حوسن اخیر را نیز نمونای بی‌ناهنس از عوامل فوق دانست. چراکه بر اساس حقیقات بعمل آمده از جانب گروه محقق سازمان، روستائیان اطراف یاوه «اکثرا» در باطن طرفدار خطرات حزب دموکرات و عرالدین حسینی بودند و در ظاهر طرفدار رهبری انقلاب، در صورتیکه در شهر یاوه وضع بر عکس بود، بدین نحو که طرفداران حزب دموکرات و عرالدین حسینی در اغلب و طرفداران رهبر انقلاب در اکثریت بودند. اختلاف موجود بین روستائیان اطراف یاوه و اهالی شهرنسن یاوه بد آن درجه از عمق میرسد که حتی تسکیمهای سیمی را نادیده گرفترو **روایوی** یکدیگر قرار میگذاشت.

اختلاف طبقاتی شهر و روستا در منطقه باوه :

چنانکه مذکور شدیم اختلاف سطح اقتصاد شهری و روستائی، از مهم‌ترین عواملی بود که نمودهای روستائی را در پیروزی اهالی شهرتس، پیاورده‌آورد. خصوصیات زندگی شهری، رفاهی نسبی را برای اهالی شهرتس، پیاورده‌آورد. چنانکه روستائیان هیچ‌گاه نتوانستند با رفاه جامعه که روستائیان حتی از دهکده‌ها و روستاهای آن مواهبت را در زندگی خود نمی‌بینند. وسایل رفاهی، خدمات بهداشتی، خدمات فرهنگی و ... موجود در شهر پیاورده، شهرتس، پیاورده را یکی از متلفع غریب در فقر و محرومیت اطرافش حداساحتها روستائیان اطراف پیاورده را حالتی که خود را غریب در فقر و محرومیت و گرسنگی و سی‌جسری می‌بینند و حضور را زندگی ترسار متف و بر درندوده خود را فادد گشته وسایل رفاهی، بهداشتی، درباری، ... می‌بینند، چگونه می‌توانند در چند کیلومتری خود شاهد زندگی نسبیاً بر وفق متلفع، رفاهی که آنرا بارشانی از نژاد بر خود می‌دانند، باسند و دم بیایند.

این است که می بینیم همین بوده محروم روستائی
 آماده اشعار و مسکن رسنه انخارش از جانب حرب
 دموگرات و عادلان حسینی و فراهم شد
 میسران میز بود عده داری دروسی خود را با سکنس
 ششم، ابرار و سایل میسرانسی و
 میکند . روستاهای باو در لحاظ حکومتی بودن منطقه
 آمادگی چندانی برای کشاورزی ندارد و در نتیجه
 امور عایش روستائیان را منتف باربر ساخته است .
 بگویند ای بشر حوایج روستاهه که در اگان کار
 در واحدهای صنعتی - کشاورزی و نه اگان تحصیل
 و برایشان مسر است ، فاجاعی اند و از
 ۹ طریق امرار عایش میکند . طبیعی است که در این
 چنین شرایطی باز بودن میزها از طرفی و سلبی است
 جهت امرار عایش شش انسان گرسنه و فقیر و از طرف
 دیگر روزهای جهت امرار باز ارجاع خارجی (عزای)
 این منطقه (پالیزها ، آبوسه ها ،)
 و از همه مهمتر کالای که وسیله امرار عایش است
 حوایج امرار میگرد . البته است . در رابطه با حو
 بعد از انقلاب بدیهی است که فاجای اسلحه و خرید
 و فروش آن برسد نرس معاملاتی می شود که باید که مردم
 این منطقه را که در حومه مبارزاتی خاصی برخوردارند
 و بر اثر کشود رشت فرهنگی همواره ماجر حو و حادثه
 آفرینند ، بطرف خود بکشد . زمینه خرید و فروش اسلحه
 در سابه باز بودن روستاها ، امکان ارتباط و مهندسی
 ارتباط منطقه ای با ارجاع خارجی (عزای) از طریق
 میزهای باز ، علاوه هیزم قابل استعمال صنعتی
 فقر و گرسنگی حلقهای روستائی آن نواحی و
 همو همه از عواملی محسوب میشوند که بگویند در
 جریان اخیر پایه و واقع خوین آن نقش داشته اند .
 بنا بر این واقع باو در میبایست در زمره فاجای
 دانست که ریشه های آن از قبل در حال تکوین بوده
 و همان یک جریان در شرایطی بدین گونه بروز نموده
 است .

نتیجہ :

آنچه را که تحت عنوان واقعۀ باوه مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم بازتابی بود از دردها و نیازهای خلقی کرد، بازتابی بود از حواسها و آرزوهای خلق کرد که در برهه‌ای از زمان به صورت واقعهای جنس خویش و است بار جلی باوه و ادامه‌اش در مناطق سفر، مهاجرات و دست... خلوه میکند، همانگونه که در گذشته از همان جنس احاطت در نه تنگس باز اسیداد استماعی نداشتیم. دردی که خلق، برادر کرد از می‌رنجید دردی است که رشتان را در ظلم و ستم اقتصادی - فرهنگی - سیاسی نظام واسه به اسیرالاسم بایستی بگرفت، دردی مصیبتی است که بر برانه کاخ اسیداد - استعمار برای ملت اسیداد همان بوزنه خلقی کرده - بلوچ - عرب - ترکمن و... به ارت با می‌ماند و توان لایسای ستمشمنس نبود زدودن آنرا میدهد.

تحلیل فوق اعجابی بود از تحلیل کلی‌ای که بر روی صورت جزوه همان "سئله خورسان" در

سازگار نماید. من یک فرد از اهالی این ده به نمایندگی مردم خواهان رسیدگی به وضع کشاورزی و آبادانی و مسکن و بهداشت و فرهنگ این منطقه، ویران شده هسم.

عکس شماره ۴ مربوط به یک فرد غنای می‌باشد که درون ساختمانی زندگی میکند که از غار رهایی‌های گذشته گذر نیست و دارای هشت فرزند می‌باشد که روحشکن این خانه در خانه است که او با رحتوشی و کلفتی، مردم و آن حاکم کردن چیده با راسر برسی می‌باشد این با این مستضعف مردم این سوا نیست؟ آیا دولت نباید حواسه اینها را برآورده نماید؟

دهی به تعداد خانه ها و نفرات بالا دارای آب آشامیدنی نیست. دارای حمام نیست در پایان بهای آوردن لگرو تا کنون به منطقه بهای اولاً "حواسته" اینها را کوش میداد و بعد لگرو کنی میکرد.

اعلا صید عزالدین حسین کی درمقالہ • جہت
گہری شد طبعات حیات تہیں • ذکر آن رفیع

السلامة العامة

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

عکس شماره ۱



عکس شماره ۳



حسنہ پاک پائے راز

